

شاخصه‌های رهبران خدمتگزار در نظام جمهوری اسلامی (با تأمل بر آموزه‌های نظری و سیره‌ی عملی امام خمینی(ره))

سیروس قنبری*
کاظم منافی**

چکیده

بررسی ابعاد گوناگون شخصیت علمی و معنوی و بازخوانی اندیشه‌های حکومتی و مدیریتی امام خمینی(ره) و معرفی آن به نسل‌های آینده وظیفه‌ای خطیر برای نخبگان و فرهیختگان علمی و پژوهشگران کشور است، تا از این رهگذر، گستره و عمق این تأثیر علمی و فرهنگی بر توده‌ها و احاد ملت اسلامی‌بازشناسی شده و ترویج اندیشه‌های دینی امام راحل در حوزه‌های مدیریت و رهبری انجام پذیرد. مقاله‌ی حاضر در صدد تبیین شاخصه‌های رهبران خدمتگزار در نظام جمهوری اسلامی با تأمل بر آموزه‌های نظری و سیره‌ی عملی حضرت امام خمینی(ره) می‌باشد که به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی با استناد به منابع و متون دینی مرتبط در این زمینه از جمله کتاب صحیفه امام نگاشته شده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد: خودسازی و تهذیب نفس، تکلیف‌مداری، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌محوری، قانون-مداری، انتقادپذیری، بصیرت و آگاهی، صداقت و راستگویی، امانت‌داری، ساده‌زیستی، تواضع و فروتنی و رفق و مدارا به‌عنوان صفات رهبران خدمتگزار در نظام جمهوری اسلامی از دید حضرت امام(ره) می‌باشد.

کلید واژه‌ها: رهبران خدمتگزار، نظام جمهوری اسلامی، امام خمینی(ره)، شاخصه‌ها

مقدمه

تاریخ بشریت انسان‌های وارسته‌ای را معرفی می‌کند که همگان از آنان به نیکی یاد می‌کنند، نزد خدا عزیز و پیش خلق خدا محترمند و مردم جز به خیر و نیکی از آنان یاد نمی‌کنند. گرچه همه‌ی آنان به‌طور یکسان نزد مردم دارای ارج و قرب نیستند، اما وجه مشترک همه‌ی آنان خدمتی است که به بشریت کرده‌اند، بدون آن که از مردم عصر و زمان خود بهره‌ای برده یا آنان را به خدمت گرفته باشند. در کارنامه‌ی زندگی آنان جز ایثار و فداکاری در راه انسانیت به چشم نمی‌خورد. پیامبران و اولیای الهی از جمله‌ی این انسان‌ها هستند. هرچند آنان در عصر و زمان خویش به خاطر آن که منافع نا مشروع زورگویان و مستکبران را به خطر انداختند، مورد بغض و کینه قرار گرفته و انواع آزارها و اذیت‌ها را متحمل شدند، اما تاریخ بشریت از آنان به نیکی یاد می‌کند؛ زیرا آن بزرگواران در حالی که می‌توانستند مثل بسیاری از انسان‌ها در رفاه و آسودگی کامل زندگی کنند یا مانند سلاطین با رسیدن به قدرت، تنها به فکر منافع خود باشند، چون «مشعلی فروزان» بشریت را در تاریکی‌ها هدایت کردند و چون شمعی سوختند و به جامعه‌ی خویش روشنایی بخشیدند.

امام خمینی(ره) از جمله مصداق عینی چنین شخصیت‌های ممتاز در جامعه‌ی معاصر است که در اوج اعتقاد راسخ به اسلام، تمام رفتار و گفتار خود را بر اساس موازین شرعی و اخلاقی اسلام تنظیم کرده و همه‌ی زوایای زندگی خویش را بر آن مبنا استوار کرده است. امام راحل انسانی بود که به گوهر گران‌بهای وجودش پی برد و عمرش را در راه پرورش آن سپری کرد و با مجاهدت علمی و عملی، تهذیب و تزکیه نفس به مقامات علمی، معنوی و اجتماعی رسید که بسیاری از افراد از دسترسی به آن ناتوانند. از همین‌رو، در مسند تعلیم و تربیت، طلاب علوم دینی را به «خودسازی در جوانی» فرا می‌خواند و در مسند ارشاد و تبلیغ، عموم مردم را به ایمان دعوت می‌کرد و در مقام هدایت و رهبری، نخبگان، مسئولان و دولت مردان را به مراقبت از خود در مسند قدرت و ریاست سفارش می‌نمود. مواظب، نصایح و راهنمایی‌های او توانست ملتی را از زیر سلطه‌ی استبدادگران و استعمار پیشگان برهاند، نظام پوسیده‌ی سلطنتی را در این مملکت برچیند، نظام دینی جمهوری اسلامی را جایگزین آن کرده و الگوی شایسته‌ای برای ملل مسلمان و مستضعف عالم شود (ورعی، ۱۳۸۹: ۱۳).

مبانی اندیشه‌ی امام خمینی(ره) بر اساس شالوده‌ی یک سنت تاریخی و طولانی از صدر اسلام قرار گرفته که این اندیشه با شناخت عمیق از قرآن و سنت نبوی و ولایی در پیوند «علم و دین» و به تعبیر دقیق‌تر، «حکومت و مدیریتی دینی» در ظهور «جمهوری اسلامی» تجلی یافته است.

ارزش‌های معنوی و الهی که مبنای حرکت امام خمینی(ره) بود و بر رهبری ایشان تأثیر داشت، در قالب یک نظام ارزشی استوار و مقبول در جامعه‌ی اسلامی تبلور یافت که نتیجه‌ی آن، مدیریت بر مبنای ارزش‌هاست. وجود نظام ارزشی استوار و مقبول در جامعه، سرمایه‌ی عظیمی برای آن جامعه به‌شمار می‌رود که به پشتوانه‌ی آن، تبادل و نظم لازم برای رشد و تعالی فراهم می‌گردد و مانع صرف هزینه‌های انسانی و اقتصادی برای ایجاد ابزارهای کنترل از روش‌های متکی به جبر و زور می‌شود و همین امر باعث خودکنترلی در مدیریت شده و نظارت درونی ایجاد می‌کند چه این که توسل به وجدان افراد از طریق ایجاد معیارهای درست و نادرست در یک سیستم اخلاقی و نظام ارزشی، می‌تواند نظارت اجتماعی را بر پایه‌ی روابط متقابل اجتماعی مطرح سازد. یکی از مهم‌ترین ساز و کارهای کنترل اجتماعی، تنظیم و مهندسی نظام اخلاقی است و بالطبع، مهندسی نظام اخلاقی و ارزشی در یک جامعه می‌تواند نوعی کنترل اجتماعی را به همراه آورد که نیازی به صرف هزینه‌های انسانی و اقتصادی برای ایجاد ابزارهای کنترلی نباشد. گفتنی است که مهندسی نظام ارزشی در جامعه‌ی ایران به دست امام خمینی(ره) و ایجاد تحول درونی در آحاد مردم و طرح هویت دینی از سوی ایشان، وی را به‌عنوان رهبری لایق و مدیری دلسوز و خلاق برای جامعه‌ی دینی مطرح ساخت. پیشوایی که مدیریت و رهبری او از آب‌شخور گزاره‌های اسلامی نشأت می‌گرفت و از آموزه‌های دینی بهره‌مند بود (شفیعی، ۱۳۹۱: ۲۱-۲۲).

به‌طور کلی، بر مبنای اخلاق سیاسی و سیره‌ی عملی امام خمینی(ره)، محبوب‌ترین و ارزشمندترین رهبران کسانی هستند که بر پیشانی آنان مهر خدمتگزاری خورده باشد و این خدمت به خلق، به‌عنوان خدمت به ساحت مقدس خداوند انجام می‌گیرد. حضرت امام(ره) با به‌کار بستن دستورالعمل‌های اعتقادی، ارزشی و اخلاقی اسلام، خود را خادم ملت تلقی نموده و در رهبری خود بر مردم تکیه می‌کرد. در حقیقت رهبری در رویکرد امام بزرگوار به معنای خدمت و خدمتگزاری، برادری، ایثارگری و از خودگذشتگی است و کسی که خود را خادم، خدمتگزار، برادر و همسان با مردم و حتی پایین‌تر از آنان بداند، رهبر جامعه‌ی اسلامی خواهد بود. لذا حضرت امام(ره) با عنایت به فرهنگ اسلامی، خود را به‌عنوان رهبر خدمتگزار معرفی کرده و فلسفه‌ی حرکت خویش را خدمت و خدمت‌رسانی به مردم دانست. اهمیت والای رهبری خدمتگزار حضرت امام(ره) تا بدان حد است که با گذشت نزدیک به چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، همواره به‌عنوان الگو و الهام‌بخش رهبران پیشرو در جهان اسلام به‌شمار می‌رود.

ماهیت رهبری و مدیریت در نظام اسلامی

مدیریت و رهبری در نظام توحیدی با آنچه در غرب رایج شده تفاوت اساسی دارد. در جوامع غرب، مدیران از دانش و فن مدیریت به‌عنوان ابزاری کارآمد در راستای دستیابی به خواسته‌های مادی و نفسانی مانند: پول، قدرت، شهرت و حتی هویت استفاده می‌کنند، اما در نظام ارزشی اسلام، چون هدف اساسی، دستیابی به قرب و رضای خداوند است، نه تأمین هدف‌های گذرا و پوچ دنیایی، انگیزه‌های مدیران نیز چیز دیگری است. مدیران در نظام توحیدی به دنبال ادای وظیفه و ایفای مسئولیت‌اند، ناگفته نماند که مدیران مسلمان برای رسیدن به اهداف مادی نیز تلاش می‌کنند، با این حال، جهت‌گیری آنان همواره به‌سوی قرب و رضایت حق تعالی است. به سخن دیگر، سوددهی سازمانی و رفاه اعضا در سایه رعایت موازین و احکام الهی تعریف می‌شود. بر این اساس، در اسلام رهبری یک امر معنوی و تعهدی است و مدیریت جنبه‌ی تکنیکی دارد. رهبری نیازهای معنوی و انسانی یک سازمان را تأمین می‌کند و مدیریت ابزارهای مادی و تکنیکی افزایش تولید و رفع نیازهای مصرفی افراد را تدارک می‌بیند (شفیعی، ۱۳۹۱: ۱۴). از این‌رو، می‌توان رهبری را به هدایت و مدیریت را به رشد معنا کرد. مقصود از رشد، بلوغ روحی، شایستگی و قدرت تشخیص، درک سود و زیان و لیاقت اداره و بهره‌برداری صحیح از وسایل و سرمایه‌های حیات است. با این توصیف «مدیریت فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر سازمان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به‌کار بردن آن‌هاست» (مطهری، بی‌تا: ۲۳۵). رهبری هم‌چون مدیریت شامل اثرگذاری است و هم‌چون مدیریت به‌کار با مردم نیاز دارد. رابطه با مردم شرط لازم برای رهبری و مدیریت است ولی شرط کافی انجام کار از طریق مردم است. هنری که حضرت امام خمینی(ره) به حد اعلاء از آن برخوردار بودند. حضرت امام(ه) با همه‌ی مردم‌داری، سفارش مردم به مسئولین اجرایی و علاقه به مردم، تنها به مردم‌داری اکتفا نمی‌کرد بلکه کارهای بزرگ و انجام نشدنی را به کمک همین مردم به انجام رساند. سرنگونی نظام هفت هزار ساله شاهنشاهی علی‌رغم همه‌ی کمک‌های خارجی به شاه مخلوع ایران، پیروزی انقلاب اسلامی، استقرار حکومت اسلامی، پیروزی در جنگ نا برابر هشت ساله، تحمل سال‌ها محاصره-ی سیاسی، اقتصادی و نظامی که هنوز هم ادامه دارد و بسیاری از موفقیت‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، صنعتی، کشاورزی، بازرگانی، خدماتی و غیره در طول حیات حضرت امام(ره) و تا کنون همه از جمله کارهایی بود که در کنار مردم‌داری، امام بزرگوار از طریق همین مردم به انجام رساندند. لذا شرط لازم برای رهبری و مدیریت ارتباطات و رابطه با مردم است ولی شرط کافی

انجام کار از طریق مردم است که حضرت امام(ره) به حد اعلا از هر دو صفت برخوردار بودند (افجه، ۱۳۹۰: ۲۳۷).

مدیریت در سازمان‌دهی و کارگزینی بر فراهم کردن ساختار برای کار افراد و ارتباط آن‌ها در سازمان و رسیدگی به محتوای فیزیکی محیط کار تأکید می‌کند. موارد فیزیکی مربوط به محیط کار شامل قرار دادن مردم در کار مناسب، توسعه‌ی مقررات، قوانین، سیستم و روش‌ها برای چگونگی انجام دادن کارها و مانند این‌ها است. برای رهبری، سازمان‌دهی و کارگزینی از نظر ارتباط برقرار کردن و دادن تصویری از آینده، بیدار کردن تعهد مردم و کار کردن برای ایجاد وحدت مفید است. برای کنترل و حل مسائل سازمانی تأکید مدیریت بر توسعه‌ی سیستم‌های تحریکی برای ایجاد انگیزه در نیروی کار و حل مسائل سازمانی و کنترل و پیشرفت به سمت هدف‌های عملیات و اتخاذ عملیات اصلاحی در خاتمه‌ی عملیات است. در مقایسه، رهبری بر انگیزه و الهام دادن و دمیدن روح و انرژی دادن به مردم برای ارضای نیازهای تحقق نیافته‌ی آن‌ها تأکید دارد (بنیس و نانوس^۱، ۱۹۸۵). به طوری که امام خمینی(ره) با استفاده از همین انگیزه و الهام دادن و دمیدن روحیه و انرژی دادن به مردم برای ارضای نیازهای تحقق نیافته‌ی آن‌ها (استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی) تأکید کردند و انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی را به کمک مردم به پیروزی رساندند (افجه، ۱۳۹۰: ۲۳۷).

با عنایت به مطالب مذکور، می‌توان گفت: رهبری در ذات ادیان الهی و آسمانی نهفته است و پیامبران الهی نخستین رهبران عالم انسانی بودند که رهبری آنها ریشه در کتاب‌های آسمانی دارند. دین مبین اسلام با ادامه‌ی پیامبری (نبوت) در قالب امامت، رهبری به تمام معنی را در طول حیات بشر ادامه داد. به طوری که مردم ایران و به خصوص شیعیان با الهام از رهنمودها و تعالیم ائمه‌ی اطهار(ع) و در غیاب امام زمان با پیروی از ولایت فقیه این سلسله رهبری را تا قیامت حفظ و به همین لحاظ نیز از یک احساس معنوی نسبت به رهبری و این که رهبری چیست و رهبری کیست برخوردارند.

رهبری خدمتگزار در اندیشه‌ی دینی امام خمینی(ره)

نظریه‌ی رهبری خدمتگزار^۲ از جمله تئوری‌هایی است که در حال تکامل بوده و شکل و سبک رهبری را در قرن حاضر تحت تأثیر قرار داده است. موضوعی که برای اولین بار در زمینه‌ی

^۱. Bennis & Nanus

^۲. servant leadership

رهبری مدرن در اثر رابرت گرین لیف^۱ (۱۹۹۷) با عنوان «رهبری خدمتگزار، سفری به درون طبیعت قدرت قانونی و عظمت» ارائه شد. نظریه‌ی رهبر- خدمتگزار روی این عقیده که رهبران ملزم به خدمت به افراد هستند تا منافع خودشان، تأکید می‌کند. در این سبک رهبری، خدمت باید محرک و انگیزه‌ی اولیه باشد. رهبری خدمتگزار هنگامی متصور است که رهبر خود را در موقعیت خدمت کردن به پیروان و اعضای زیردست قرار دهد. خود خدمتی ناپیستی محرک و انگیزه‌ی رهبر باشد بلکه او باید دارای برنامه‌ی انگیزشی بالاتر یعنی توجه و تمرکز به نیاز دیگران باشد (روسل و استون^۲، ۲۰۰۲: ۱۴۵). در حقیقت، رهبران خدمتگزار ابتدا به نیازهای دیگران توجه می‌کنند و سپس نیازهای خود را برآورده می‌سازند (پارولینی^۳، ۲۰۰۷). مایر^۴ معتقد است که باید خدمتگزاری محور قرار گیرد. هر چند که رهبری با قدرت همراه بوده است ولی تنها استفاده مشروع از قدرت خدمتگزاری می‌باشد (ماتسون و ایروینگ^۵، ۲۰۰۶).

اصول و فروع دین اسلام هر کدام به‌نوعی به نهضت خدمت‌رسانی وابسته، بلکه هم‌معنا هستند. مفهوم خدمت‌رسانی از مفاهیمی است که در اسلام عالی‌ترین تعبیر در مورد آن، در کلام و سخنان معصوم(ع) ارائه شده است (رضوان طلب و برزونی، ۱۳۸۴: ۱۳۰). خداوند متعال به منظور فرهنگ- سازی صحیح خدمت‌رسانی و ترویج آن، به پیامبر اکرم(ص) دستور می‌دهد که در برابر خدمت خود به مردم هیچ‌گونه اجر و مزدی از آنان توقع نداشته باشد: «قل لَأَسْأَلْكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ...؛ ای رسول ما به اَمّت بگو من از شما اجر رسالت جزء این نخواهم که مودّت و محبت مرا در حق خویشاوندان منظور دارید...» (سوره شوری، آیه ۲۳). بر اساس آرمان‌های اسلامی، به دولت و مدیریت به‌عنوان محمل خدمتگزاری و نه قدرت‌طلبی نگریسته می‌شود. در جوامعی مثل ایران که دین، شکل‌دهنده‌ی سیاست است، دولت مردم‌سالار دینی اعمال حاکمیت می‌کند. بنابراین سیاست‌هایی که تدوین می‌کند باید با عقلانیت دینی قابل توجیه باشد، در غیر این صورت قابلیت اجرا نخواهد داشت. مدیریت دولتی در این نظام، بر تئوری خادمیت استوار است. وقتی نظام سیاسی مبتنی بر دکتترین آیت‌الله مدرس باشد که «سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ما» بی‌تردید اداره‌ی امور عمومی (مدیریت دولتی) که بازوی اجرایی دولت است و دولت پیرق آن سیاست را در دست گرفته، باید رویکرد دینی به مدیریت را در بخش دولتی در نظر داشته باشد. در حالی که در نگاه دینی خدمت به قصد رضایت خلق (که بی‌تردید رضایت خداوند را در پی

^۱. Greenleaf. R

^۲. Rusell & Stone

^۳. Parolini

^۴. Maier

^۵. Matteson & Irving

خواهد داشت) محور اصلی است، ولی در دیگر نگاه‌ها این امر در نظر قرار نمی‌گیرد (نوروزی‌فرانی، ۱۳۸۶: ۹۹).

تراوش اندیشه‌ی دینی از افکار و کردار بنیان‌گذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی(ره)، سبک رهبری وی را متمایز از شیوه‌های رهبری موجود در دنیا نموده است. امام خمینی(ره) وظیفه‌ی اصلی دولت مردان نظام اسلامی را خدمت به خلق و پاسخ گو بودن در برابر آن‌ها دانسته و چون معلمی دلسوز به آن‌ها می‌فرماید: «خدمت به خلق بکنید ... برای این‌هایی که اولیای ما هستند این پایین شهری‌ها و این پابره‌نه‌ها، این‌ها ولی‌نعمت ماها هستند. اگر این‌ها نبودند ما یا در تبعید بودیم یا در حبس بودیم یا در انزوا. این‌ها بودند که همه‌ی ما را از این مسائل نجات دادند و همه‌ی ما را آوردند و نشاندند به جایی، به خیال خودمان جایی است این. باید ملتفت باشید که آقا شما همان آدمی هستید که توی حبس بودید و شما همان آدمی هستید که در تبعید بودی و شما همان آدمی هستید که در انزوا بودی. این مردمند که آمدند ما را آوردند بیرون از همه‌ی این‌ها و ما اگر تا آخر عمرمان به این‌ها خدمت کنیم نمی‌توانیم از عهده‌ی خدمت این‌ها برآئیم» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۲۱۸). استفاده از این جملات آسمانی در بیانات و نوشته‌های رهبر کبیر انقلاب اسلامی و به‌خصوص این جمله‌ی مشهور که «اگر به من خدمتگزار بگویید بهتر است تا رهبر» بیانگر اشراف ایشان به جایگاه رهبری در کتاب‌های آسمانی و حتی اندیشه‌های نوین مدیریت است. تعبیری که کمتر در سخنان و نوشته‌های سایر رهبران سیاسی عالم در طول تاریخ مشاهده شده است.

شاخصه‌های رهبران خدمتگزار در نظام جمهوری اسلامی از دیدگاه امام خمینی(ره)

رویکرد امام خمینی(ره) به چگونگی اداره‌ی جامعه نشأت گرفته از رهیافت‌های اسلامی است. به همین دلیل می‌توان با رهیافت‌های دینی، شاخص‌های سبک رهبری خدمتگزار امام خمینی(ره) را در میدان تجربه تعیین کرد و الگوهای رفتاری ایشان را در حوزه‌ی رهبری تعیین نمود.

۱- خودسازی و تهذیب نفس

تا زمانی که فرد به مرحله‌ی تکامل فردی و درونی نرسیده باشد و اصول تربیت صحیح در درون وی ملکه نشده و استقرار نیافته باشد به هیچ صلاحیت و شایستگی ورود به عرصه‌ی خطیر سیاست و حکومت بر مردم را ندارد. بر مبنای آموزه‌های اسلامی نیز در می‌یابیم که خودسازی

شرط اول ورود به صحنه‌ی اجتماع و سیاست بیان شده و تا زمانی که فرد از این مرحله عبور نکرده باشد شایستگی رهبری بر مردم را نخواهد داشت. امام خمینی(ره) ضرورت تزکیه و خودسازی را برای کسانی که در دولت و حکومت مسئولیت دارند، لازم‌تر می‌داند؛ زیرا آنان بیشتر در معرض خطا و لغزش هستند: «کسانی که در بشر می‌خواهند زمام‌داری کنند اگر بخواهند که طغیان نکنند و کارهای شیطانی نکنند باید تزکیه کنند خودشان را و بعثت برای همین است که همگان را تزکیه کند و این تزکیه برای دولت‌مردان، برای سلاطین برای رؤسای جمهور، برای دولت‌ها و برای سردمداران بیشتر است تا برای مردم. اگر افراد عادی تزکیه نشوند و طغیان پیدا کنند یک طغیان بسیار محدود است. یک نفر در بازار یا یک نفر در روستا اگر طغیان بکند یک نقطه‌ی محدودی را به فساد ممکن است بکشد لکن اگر طغیان در کسی شد که مردم آن سلطان را پذیرفته‌اند، در رؤسای شد که مردم آن‌ها را پذیرفته‌اند، این گاهی یک «کشور» را به فساد می‌کشد و گاهی «کشورها» را به فساد می‌کشد. این طغیان‌ها که موجب این است که کشورهایی به تباهی کشیده بشود برای این است که «تزکیه» نشده است کسی که زمام امور به دستش است» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۳۹۱-۳۹۲). از این رو، امام خمینی(ره) عامل اصلی انقلاب اسلامی را اسلام دانسته و همه را به شکرگذاری که نشان‌دهنده‌ی خودسازی فرد و تواضع او در برابر قدرت مطلق است، فرا می‌خواند و به این ترتیب بیان می‌دارد که اگر انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسیده به فضل اسلام است و این امر نباید باعث غرور و خودفریفتگی ما گردد: «باید همه‌ی ما اسلامی‌پیش برویم با برنامه‌ی اسلامی‌پیش برویم. پیروزی ما مرهون اسلام است نه مرهون من است و نه مرهون شما و نه مرهون هیچ قوه‌ای، مرهون اسلام است. اسلام به ما این پیروزی را داده است. این یک نعمتی است که خدای تبارک و تعالی به ما اعطا کرده است و این نعمت را چنان‌چه شکرگزاری نکنیم ممکن است که یک وقتی خدای نخواستہ از ما بگیرند» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۳۴۸).

۲- تکلیف‌مداری

از مسائل مهم دیگری که حضرت امام(ره) پیوسته آن را بیان می‌نمود و مسئولان و گروه‌های اجتماعی ملت را بدان دعوت می‌کرد، مسأله‌ی تکلیف دینی یا شرعی است (هدایتی، ۱۳۸۷: ۱۱۱). تکلیف، عمل به قوانینی است که دین در اختیار آدمی قرار می‌دهد؛ به سخن دیگر، اسلام قوانینی دارد که انسان‌های معتقد به آن را مکلف به انجام آن می‌نماید. شناخت تکلیف برای رهبران خدمتگزار و مدیران جامعه‌ی اسلامی و نیز برای پیروان آن‌ها اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. به‌گونه‌ای که علاوه بر شناخت و عمل به تکلیف فعلی، موظف به پیش‌بینی تکالیف آینده نیز هستند. به بیان

دیگر، تکلیف‌گرایی با نوعی آینده‌نگری دقیق توأم است و رهبر خدمتگزار می‌خواهد بداند تکلیف بعدی او چیست؟ از این رو دقت زیادی می‌کند تا به اطمینان نسبی برسد و بتواند تصمیم خود را در این رابطه بگیرد (شفیعی، ۱۳۸۴: ۶۳-۷۳).

امام خمینی (ره) در تبیین مقوله‌ی تکلیف دینی و شرعی هر فرد چه حاکم و چه شهروند، آنان را هم در برابر کارهای خود مسئول می‌دانست و هم در برابر تلاش‌های دیگران؛ یعنی می‌خواست ملت را بدین خودآگاهی نزدیک سازد تا در شناخت تکلیف‌ها و مسئولیت‌های ملی و اسلامی‌شان در قبال کشور و نظام جمهوری بکوشند و بدان عمل کنند و در صورت مشاهده‌ی نارسایی در کارکردهای دیگران، تکلیف هدایت‌گری و نقد و سؤال و مطالبه وظیفه‌های قانونی را دارد؛ زیرا اسلام در نظام اخلاق اجتماعی خود، همگان را مسئول یکدیگر شناخته و از آنان خواسته است که مراقب یکدیگر و عملکردهای اجتماعی‌شان باشند، در عین حال که باید به وظیفه‌های خود عمل کنند (هدایتی، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

از دیدگاه حضرت امام (ره)، وقتی رهبر خدمتگزار با دانش و آگاهی و از روی حکمت، مطابق با خواست خداوند عمل کند، به تکلیف خود عمل کرده است؛ چه به نتیجه‌ی مطلوب و مورد نظر برسد، یا نرسد (شیخ‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۶۷). بیانات و گفتارهای ناب در صحیفه امام که به مضمون تکلیف‌مداری اشاره دارند، بسیارند از جمله: «در عین حال ما در این جا که هستیم، از قِبَل خدای تبارک و تعالی مأموریت‌ها داریم. ما تا در این حیات دنیوی هستیم، مأموریت‌ها از طرف خدای تبارک و تعالی داریم و باید قیام کنیم به این مأموریت‌ها. باید غفلت نکنیم از تکالیف الهیه. تمام تکالیف الهیه الطافی است الهی و ما خیال می‌کنیم تکالیفی است. همه‌اش الطاف است: چه تکالیف فردی که برای هر نفر است- برای تربیت او، برای تکمیل او- برای این که غیر از این راه، راه تکمیل و راه ترقی نبوده است، درجاتی هست که بدون این راه نمی‌شود، به آن درجات رسید؛ و چه تکالیف اجتماعی که ما مکلف هستیم؛ در اجتماع تکالیفی داریم و باید به آن تکالیف عمل کنیم» (صحیفه امام، ج ۳: ۲۳۷). «اسلام در رابطه‌ی بین دولت و زمام‌دار و ملت ضوابطی و حدودی معین کرده است و برای هر یک بر دیگری حقوقی تعیین نموده است که در صورت رعایت آن هرگز چنین رابطه‌ای، یعنی رابطه‌ی مسلط و زیرسلطه، به وجود نمی‌آید. اساساً حکومت کردن و زمام‌داری در اسلام یک تکلیف و وظیفه‌ی الهی است که یک فرد در مقام حکومت و زمام‌داری، گذشته از وظایفی که بر همه‌ی مسلمین واجب است، یک سلسله تکالیف سنگین دیگری نیز برعهده‌ی او است که باید انجام دهد. حکومت و زمام‌داری در دست فرد یا افراد، وسیله‌ی فخر و بزرگی بر دیگران نیست که از این مقام بخواهد به نفع خود حقوق ملتی را پایمال کند. هر فردی

از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و باید او جواب قانع‌کننده بدهد در غیر این صورت، اگر بر خلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد - خود به خود - از مقام زمامداری معزول است و ضوابط دیگری نیز وجود دارد که این مشکل را حل می‌کند (همان، ج ۵: ۴۰۹). «و من باز هم به آقایان عرض می‌کنم که توجه بکنید که مقام، شما را نگیرد. ارزش انسانی انسان به مقام نیست، به این نیست که من نخست‌وزیرم، من رئیس‌جمهورم، من رئیس مجلسم، من وکیل مجلسم؛ این‌ها ارزش نیست. ارزش انسان به این است که توجه بکند که چه باید در مقابل خدای تبارک و بندگان خدای تبارک و تعالی بکند، چه تکلیفی انسان دارد در مقابل خدا و در مقابل بندگان خدا که از خدا هستند؛ این ارزش است. و اگر از این، انحراف حاصل بشود، شما هر مقامی پیدا کنید؛ در علم بشوید بالاترین علما، در زهد هم هر چه می‌شوید، بشوید، اما ارزش را از دست داده باشید، شما نه پیش خدا دیگر ارزش دارید، نه پیش خلق خدا (همان، ج ۱۶: ۴۵۰).

۳- مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری از سایر ویژگی‌های مهم رهبران خدمتگزار از دیدگاه امام خمینی (ره) بوده و بدین معناست که رهبر خود را در قبال پیروان خود مسئول بداند و در انجام وظایف محول شده درست عمل کند. بر اساس جهان‌بینی اسلام، انسان موجودی آزاد و مختار است. این آزادی و اختیار، آن‌گاه که با آگاهی و قدرت همراه شود، مسئولیت در پی دارد. از نظر اسلام، انسان در برابر خدا، خود، انسان‌های دیگر و طبیعت، مسئول است. این مسئولیت سبب می‌شود انسان در قبال سرنوشت، کمال و سعادت خویش احساس وظیفه کند و از سویی دیگر چون به تعامل و تأثیر و تأثر خود با اجتماع واقف است خود را نسبت به اجتماع مسئول بداند (فتحعلی، ۱۳۹۰: ۱۹۵). مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی و توجه به مصلحت افراد، باعث می‌شود تا رهبر خدمتگزار به‌طور پیوسته با پیروانش در ارتباط بوده و در میان آن‌ها و یکی از آن‌ها باشد. بنابراین، رهبر خدمتگزار، خود را به مثابه یکی از اعضای گروه، سازمان یا جامعه تلقی می‌کند و می‌کوشد در جایگاه و مسئولیتی که قرار گرفته با افراد با ادب و احترام رفتار نموده و به آن‌ها ظلمی نکند و منافع افراد را با منافع جمع هم‌راستا نماید و به دیدگاه‌های آن‌ها گوش دهد (شیخزاده، ۱۳۹۱: ۲۹).

بر این اساس، امام خمینی (ره) با ارائه نگرش ادای تکالیف، مسئولیت را لازمه‌ی آن می‌داند و خدمت نمودن را از دریچه‌ی انجام مسئولیت الهی می‌نگرد. رهبر خدمتگزار باید در همه‌ی شرایط خود را مسئول دانسته و به دنبال انجام مسئولیت خود باشد. به عقیده‌ی امام خمینی (ره)، رئیس و رهبر یک مجموعه‌ای شدن، با خود مسئولیت به همراه می‌آورد و یک رهبر خدمتگزار در برابر خدا،

اسلام، خویش، ریاستش، کشورش، مردمش و پیروانش مسئولیت دارد (شیخ زاده، ۱۳۹۲: ۲۰۳). در جای جای صحیفه امام و در بیش از هفتاد مورد به مضمون مسئولیت‌پذیری اشاره شده است که در ادامه به برخی از این بیانات پرداخته می‌شود: «رؤسای جمهور بدانند، شیوخ بدانند، آن‌هایی که ریاست دارند در اسلام، بدانند که خدای تبارک و تعالی این ریاست را به آن‌ها داده است؛ مسئولیت دارد رئیس یک قوم شدن، رئیس یک ملت شدن، مسئولیت دارد نسبت به آن ملت، نسبت به آن قوم، نسبت به زندگی آن قوم، نسبت به حوادثی که برای آن قوم پیش می‌آید. مسئولند این‌ها؛ دیگران محتاج این‌ها نیستند» (صحیفه نور، ج ۲: ۳۴). «شما آقایان هم که ان‌شاءالله بعدها پست‌های خوبی گیرتان می‌آید، توجه به این مسائل داشته باشید. اگر در اداره‌ای وارد می‌شوید، رئیس یک اداره هستید، مدیرکل یک اداره شدید، متوجه باشید که شما مسئول هستید، نه مسئول فقط فعل خودتان، مسئول فعل دیگران هستید... اگر به دوش شما مسئولیت جامعه باشد هرچه بالاتر بروید مسئولیت بالاتر می‌شود (همان، ج ۷: ۲۵۹). «مسئولیت همه داریم در مقابل اسلام. امروز نه شما تنها، همه‌ی قشرهای ملت، دولت، همه مسئولند در مقابل خدای تبارک و تعالی و در مقابل اسلام» (همان، ج ۱۰: ۱۷۶)، «کار هرچه بزرگ‌تر باشد، مسئولیت هم به حجم آن بزرگ است» (همان، ج ۱۲: ۴۲۷). «جمهوری اسلامی امروز آبرویش بسته است به آبروی متصدیان امر، و هرکس در هر مقامی که هست مسئولیت به اندازه‌ی حجم آن مقام دارد. حجم مسئولیت به اندازه‌ی حجم مقامی است که شخصیت‌ها دارند، یا گروه‌ها دارند. و توجه کنید که مبادا- خدای نخواسته- کارهایی از شما، از گروه‌هایی که در این کشور خدمت می‌کنند، سر بزند که با جمهوری اسلامی سازش نداشته باشد. باید کارها را تطبیق بدهید با اسلام و با جمهوری اسلامی. اگر- فی-المثل- شما در هر مقامی که هستید، از مقام ریاست جمهور تا بیایید به آن جایی که به مردم عادی منتهی می‌شود و افرادی که در این دستگاه‌ها مشغول خدمت هستند، از آن کارمند کوچک و آن کس که دم در برای پذیرش اشخاص گماشته شده‌اند، تا آن مقام بالایی که باید رسیدگی به امور مسلمین بکند، همه‌ی آن‌ها مسئول هستند. کج روی‌ها در محضر خدا است و راست‌روی‌ها هم در محضر او است. ما باید در فکر این باشیم که این کارهایی که به عهده‌ی ما قرار داده شده است، این کارها را طوری انجام بدهیم که مورد رضای خدای تبارک باشد. و ما اگر این‌جا بتوانیم از مسئولیت مقامات این‌جا یک وقت شانه تهی کنیم یا کاری بکنیم که آن‌ها توجه نکنند، ملائکه الله هستند و ثبت می‌کنند و یک روزی سؤال می‌شود از ما» (همان، ج ۱۶: ۴۱۰). «همه مسئولیم و همه باید در پیشگاه خدا و خلق خدا جواب تهیه کنیم» (همان، ج ۱۷: ۳۲۳).

۴- عدالت‌محوری

عدالت در رفتار و عمل دولت‌مردان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های رهبری خدمتگزار به شمار می‌رود که در واقع شالوده و زیربنای تعامل صحیح آن‌ها با مردم را تشکیل می‌دهد. عدالت در برخورداری از خدمات در جامعه‌ی اسلامی اصلی اساسی است که اگر رعایت نگردد، اساس و شالوده‌ی حکومت اسلامی زیرسؤال می‌رود. امام خمینی(ره) به اهمیت عدالت‌محوری تأکید فراوان داشته و در بسیاری موارد به آثار مترتب بر آن اشاره نموده است: «همه‌ی آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ما است روزی فقر و تهی دستی از جامعه‌ی ما رخت بریند و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. خدا نیاید آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذالله که این با سیره و روش انبیاء و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین (ع) سازگار نیست» (همان، ج ۲۰: ۳۴۱). همان‌گونه که از سخن امام خمینی(ره) برداشت می‌گردد ایشان عدم رعایت عدالت در برخورد با اقشار مختلف جامعه را مخالف با سیره و روش پیامبران الهی و ائمه اطهار (ع) دانسته و آرزوی خود را برخورداری همه‌ی اقشار جامعه از امکانات موجود دانسته و از عدم رعایت آن در کشور توسط مسئولین دولتی به خداوند پناه می‌آورد: «عدالت را اجرا کنید، عدالت را برای دیگران نخواهید، خودتان هم بخواهید. در رفتار عدالت داشته باشید، در گفتار عدالت داشته باشید، تشریفات را کم کنید، و این ملت را خدمتگزار باشید» (همان، ج ۱۹: ۳۷۸). هم‌چنین می‌فرماید: «و از متصدیان امور در جمهوری اسلامی؛ خصوصاً قشر روحانی تقاضا دارم که در تدبیر امور کشور و حل و فصل قضایا از خط اسلام به‌طور دقیق‌تری پیروی کرده و تحت تأثیر گروه‌گرایی و طرفداری از قشری و مخالفت با قشری دیگر قرار نگرفته و با عدل اسلامی و عطفوت متوقع از جمهوری اسلامی با مردم و مراجعین رفتار و حکومت اسلامی را در انظار واژگونه جلوه ندهند، و از سوء رفتار و کاغذبازی‌های رژیم سابق شدیداً احتراز نمایند که جمهوری اسلامی و دین‌دیده‌ای است الهی به دست همه‌ی ملت، خصوصاً شما و مسئولیت شما نزد خالق و خلق بسیار است» (همان، ج ۱۴: ۲۱۸).

و در بیانات دیگر خطاب به وزرا می‌فرماید: «شما که الان از وزرای محترم هستید و مملکت اسلامی به شما سپرده می‌شود و پست‌های شما پست‌هایی است که باید در آن اعمال بسیار شایسته انجام بگیرد، کوشش کنید که اولاً، گمان نکنید که ریاست، از ریاست درجه‌ی اول تا آخر، یک چیزی باشد؛ یک امر اعتباری است. یک دسته‌ای جمع می‌شوند یکی را می‌گویند تو کارها را

انجام بده. در نظر داشته باشید که حضرت امیر (ع) در حالی که به حسب فهم جامعه، ریاست یک کشور بسیار بزرگی را داشت از حجاز تا مصر، عراق، ایران؛ همه را داشت، آن وقت چه جور بود وضعش، چه جور بود سلوکش با مردم و چه بود؛ سفارش‌هایی که به عمالش یا به حکومت‌هایی که از طرف او بودند. چه سفارش‌های ارزشمندی فرموده است. البته ما نمی‌توانیم خود او باشیم. لکن می‌توانیم که شیعه‌ی او باشیم. پیرو او باشیم. تا آن حدودی که بتوانیم، باید پیروی از او بکنیم. او تمام مقصدش خدا بود. اصلاً این دنیا و این ریاست دنیا و این‌ها در نظر او چیزی نبود، مگر این که بتواند یک عدلی را در یک دنیا برقرار کند، و آلاً پیش آن‌ها مطرح نبود که یک ریاستی داشته باشیم یا خلافتی داشته باشیم» (همان، ج ۱۳: ۱۹۵).

۵- قانون‌مداری

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، از همان آغاز پیروزی انقلاب، بر قانون و نهادینه‌سازی اصول و آرمان‌های دینی و سیاسی مردم تأکید داشت. از این رو نخبگان جامعه را به اظهار نظر پیرامون پیش نویس قانون اساسی و تدوین متناسب با اسلام و مقتضیات زمان و مکان برانگیخت و مسئولیت تصویب و مشارکت مردم در رأی دادن به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی را بر دوش مسئولان و نمایندگان ملت نهاد. ایشان، آن‌گاه که احساس خطر نمود و برخی عوامل داخلی و خارجی را مانع تحقق قانون‌گرایی دانست، ناچار از اتخاذ موضع قاطعانه گشت. حضرت امام بر خلاف تصور و القای بعضی از جریان‌های سیاسی جامعه - که طرح قانون اساسی را حرکتی زود هنگام تلقی کرده و معتقد به اعمال شیوه‌های انقلابی در حکومت بودند - بر این باور اصرار می‌ورزیدند که جامعه باید یک متن قانونی داشته باشد و تأسیس نهادهای قانونی، امری اجتناب‌ناپذیر است. این همه، نشانگر ضرورت حاکمیت قانون در نظام نو پای جمهوری اسلامی بود، تا چارچوب مسئولیت‌ها و حقوق برای همگان مشخص گشته و بتوان از تخلف و عدم تخلف قانونی سخن به میان آورد (هدایتی، ۱۳۸۷: ۱۸۵). ملاک قانون در دیدگاه امام، قانون اسلام است و مردم با اسلام بیعت کردند که به احکام اسلام عمل کنیم (صحیفه امام، ج ۱۱: ۵۲۲). از نظر ایشان حکومت اسلامی حکومت قانون است و آن فقیه‌ی که امامت امت را به عهده دارد باید از دیکتاتوری به دور باشد و برابر قانون عمل کند: «اسلام حکومتش حکومت قانون است، یعنی قانون الهی، قانون قرآن و سنت است. و حکومت، حکومت تابع قانون است؛ یعنی خود پیغمبر هم تابع قانون، خود امیرالمؤمنین هم تابع قانون، تخلف از قانون یک قدم نمی‌کردند و نمی‌توانستند بکنند» (همان، ج ۱۱: ۲۲).

از منظر امام خمینی (ره)، یک رهبر خدمتگزار با قوانین و مقررات و آن‌چه که قانون‌گذار

صلاحیت‌مدار بر اساس مصلحت و شرایط، وضع و ابلاغ نموده‌اند، آشنا بوده و در عمل و تصمیم‌های خود به آن‌ها پایبند است. حضرت امام معتقد بود: «در جمهوری اسلامی، زمام‌داران مردم نمی‌توانند با سوء استفاده از مقام، ثروت اندوزی کنند و یا در زندگی روزانه امتیازی برای خود قائل شوند. باید ضوابط اسلامی را در جامعه و در همه‌ی سطوح به دقت رعایت کنند و حتی پاسدار آن باشند. دقیقاً باید به آرای عمومی در همه‌جا احترام بگذارند» (همان: ج ۴: ۲۶۶).

۶- انتقادپذیری

انتقادپذیری به‌عنوان یکی از مسائل اخلاقی با ارزش از دیگر صفات رهبران خدمتگزار است که در فرهنگ اسلامی به آن توجه خاص شده است. انتقاد سازنده همیشه برخاسته از نارسایی و عیب است و نقص در وجود همه‌ی افراد و کارگزاران و در عملکرد آن‌ها وجود دارد، و انتقاد مقدمه‌ی اصلاح است، تا انتقاد نشود عیوب افراد شناخته نمی‌شود و اشخاص اصلاح نمی‌گردند. امام خمینی (ره) بارها بر ضرورت انتقاد تأکید می‌کند و انتقاد را مقدمه‌ی اصلاح می‌داند: «انتقاد باید بشود. تا انتقاد نشود، اصلاح نمی‌شود یک جامعه. عیب هم در همه جا هست؛ سر تا پای انسان عیب است و باید این عیب‌ها را گفت و انتقادات را کرد؛ برای این که اصلاح بشود جامعه» (همان، ج ۱۴: ۴۰۱). علت مقاومت در برابر انتقاد، خودپسندی و خودخواهی به تعبیر دقیق‌تر، حبّ نفس است. امام خمینی (ره) در این زمینه، تحلیلی دقیق دارند که قابل تأمل است. ایشان در نامه‌ای به فرزند خویش می‌فرماید: «منشأ خوشامد ما از مدح و ثناها و بدآمدن مان از انتقادات و شایعه‌افکنی‌ها حبّ نفس است که بزرگ‌ترین دام ابلیس لعین است. ماها میل داریم که دیگران ثناگوی ما باشند، گرچه برای ما افعال شایسته و خوبی‌های خیالی را صدچندان جلوه دهند و درهای انتقاد - گرچه به حق - برای ما بسته باشد یا به صورت ثناگویی درآید. از عیب‌جویی‌ها نه برای آن که بناحق است، افسرده می‌شویم و از مدح و ثناها نه برای آن که به حق است، فرحناک می‌گردیم، بلکه برای آن - که عیب من است و مدح من نیست. من است که در این جا و آن جا و همه‌جا بر ما حاکم است» (همان، ج ۱۸: ۵۱۶).

اگر بپذیریم که کمال فردی و اجتماعی انسان‌ها در گرو انتقاد است، آن‌گاه به جای آن که از آن بگریزیم و یا چون داروی تلخی بدان تن دهیم، آن را چون هدیه‌ای گرامی خواهیم دید و از آن بهره‌مند خواهیم گشت و خواهیم گفت: «اشکال، بلکه تخطئه یک هدیه‌ی الهی است برای رشد انسان‌ها» (همان: ج ۲۰: ۴۵۱). امام خمینی (ره) انتقاد سازنده را به معنای مخالفت با نظام نداسته بلکه آن را عاملی جهت رشد و پیشرفت جامعه بیان کرده و بر این نکته تأکید می‌نماید که هر حزب و گروهی باید مصلحت انقلاب را بر مصلحت خود مقدم بداند: «انتقاد سازنده معنایش

مخالفت نبوده و تشکل جدید مفهومی اختلاف نیست. انتقاد بجا و سازنده باعث رشد جامعه می‌شود... هیچ‌کس نباید خود را میرای از انتقاد ببیند. البته انتقاد غیر از برخورد خطی و جریان‌ی است. اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد حتماً پیش از آن که به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است» (همان، ج ۲۱: ۱۷۸). انتقاد سازنده این آگاهی را به ما می‌دهد که بدانیم در وجود یا رفتارمان چه کاستی‌هایی وجود دارند و ما را به اصلاح آن‌ها بر می‌انگیزد. این نقش آینه‌گون انتقاد را هرگز نمی‌توان از آن جدا ساخت و ارزش واقعی انتقاد نیز همین است. چنین نگرشی است که انتقاد را زمینه‌ساز سعادت جامعه می‌داند و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی همگان را به گسترش فرهنگ انتقادی دعوت کرده و می‌فرماید: «در جمهوری اسلامی، همه باید با انتقادهای و طرح اشکال‌ها، راه را برای سعادت جامعه باز کنند (همان، ج ۲۱: ۲۴۹). از دیدگاه امام خمینی (ره) چون رهبر خدمتگزار هم در تصمیم‌ها و اقدامات خود ممکن است مرتکب خطا شود؛ از این‌رو، باید به دیدگاه‌ها و انتقادهای پیروان خود توجه نموده و محاسن و معایبی را که آن‌ها بیان می‌کنند، بپذیرد و به آن‌ها توجه کند.

۷- بصیرت و آگاهی

بصیرت شامل آینده‌نگری، قوه‌ی ابتکار، مقاومت، پایداری و تسلط بر امور و انگیزش می‌شود. رهبران بصیر ظرفیت ایستادگی در مقابل موانع را دارند. تشخیص صحیح و تصمیم به موقع شامل نشان دادن تسلط بر امور در زمان‌ها و مواقعی است که پیروان به هدایت و رهبری نیاز دارند. امام خمینی (ره) به‌عنوان یک رهبر خدمتگزار، با آگاهی و درک صحیح از اوضاع و شناخت کامل موضوع و مسائل پیشروی جامعه، تصمیم می‌گرفتند و اقدام مناسب را انجام می‌دادند. مبارزه‌ی حضرت امام (ره) از ۱۵ خرداد ۴۲ تا بهمن ۵۷ به خصوص در فرمان شکستن حکومت نظامی و ریختن مردم به خیابان‌ها که اوج پاسخ به نیاز به هدایت و رهبری مردم در ۲۱ بهمن ۵۷ از مصادیق بصیرت و آگاهی در سیره‌ی عملی رهبر فقید انقلاب اسلامی است. بازگشت حضرت امام (ره) در ۱۲ بهمن ۵۷ از پاریس به ایران بعد از پانزده سال تبعید و سخنرانی‌های امام در زمان شاه از نمونه‌های دیگر این بصیرت و آگاهی است (افجه، ۱۳۹۰: ۲۴۱). بصیرت و بینش امام درباره‌ی پیش‌بینی امور که برای همگان مثال زدنی است در مواردی هم‌چون: «شاه باید برود»، «صدام رفتنی است»، پیش‌بینی از هم‌پاشیدگی مارکسیست و سقوط شوری سابق و به خوبی آشکار است. به خصوص اعتماد و اطمینان حضرت امام (ره) به ملت ایران و این‌که ملت از اسلام و انقلاب دست بردار نیست و بعد از من هم حافظ و نگهبان این انقلاب خواهند بود و تحقق این

مهم تا کنون بیانگر درجه‌ی بصیرت و آگاهی صحیح حضرت امام(ره) نسبت به امور بود (همان: ۲۴۰).

با کنکاشی بر صحیفه‌ی امام می‌توان به مصادیق بصیرت و آگاهی در بیانات حضرت امام(ره) پی برد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: «من برای انتقال قدرت بعد از رفتن شاه برنامه‌ای را پیش‌بینی کرده‌ام که به موقع به مرحله‌ی اجرا می‌گذارم؛ افرادی را که تهیه کردم کسانی هستند که در طول سی و چند سال سلطنت شاه، به مردم خیانت نکرده‌اند» (صحیفه امام، ج ۵: ۳۹۹). «من خدمتگزار شما هستم. من صلاح حال شما را می‌خواهم. و صلاح دین و دنیای شما این است که در این برهه از زمان که این مسائل اصلی در کار است، یک قدری راجع به مسائل دیگری که حق است با شما، لکن وقتش یک قدری زود است، در یک وقتی است که مفسده‌جوها می‌خواهند نگذارند کارها انجام بگیرد، یک قدری آن‌جا را باید مهلت بدهید، و همه در فکر این مطلب هستند (همان، ج ۱۱: ۲۶). «شما نباید فقط به فکر حالا باشید و بگویید آینده هر چه شد، باشد. شیاطین به تدریج کار می‌کنند. آمریکا برای پنجاه سال آینده‌ی خود نقشه دارد» (همان، ج ۱۹: ۴۳).

۸- صداقت و راستگویی

صداقت یکی از فضایل بزرگی است که فطرت و سرشت آدمی بدان گرایش دارد و ارزش بودن و نیک دانستن آن، جزو ذات انسان است. این صفت پسندیده، نه تنها در گفتار، بلکه در نیت و عمل نیز باید تبلور یابد (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۷۴). صداقت، به‌عنوان خصیصه‌ای اخلاقی باید در تمامی روابط و رفتارهای ارتباطی در اجتماع شکل گیرد. درحقیقت، شفاف‌سازی و راستگویی بهترین اقدام برای بهبود و گسترش روابط درونی و بیرونی هر اجتماع است زیرا اگر اصل صداقت حاکم باشد، اعتماد متقابل به شکل فزاینده‌ای رشد و گسترش یافته و تعمیق می‌شود و قطعاً این گسترش، تعمیق و تحکیم روابط به رشد و موفقیت و بهره‌وری بیشتر منجر و منتهی می‌گردد. با توجه به نقش سازنده‌ی صداقت در روابط اجتماعی و سیاسی، رعایت آن برای همگان اهمیت دارد. و لکن رعایت این پدیده‌ی ارزشمند برای کارگزاران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا که صادقانه برخورد نمودن کارگزاران با مردم و گفتن حقایق و واقعیات به مردم، نقش بنیادی در جلب رضایت و اعتماد عمومی دارد. صداقت در کارگزاران از عوامل موفقیت در کار بوده و حافظ آبرو و برآورنده‌ی وجهت اجتماعی است. از دیدگاه حضرت امام(ره)، یک رهبر خدمتگزار برای صداقت، ارزش قائل بوده و گفتار و کردارش با هم هم‌خوانی دارد و راستگویی و درستکاری را پیشه‌ی راه خود می‌سازد تا بتواند اعتماد پیروان خود را جلب نماید و بارها در صحبت‌ها و گفتارهای حکیمانه‌ی خود بر صداقت تأکید می‌نمود: «آیا ما در این کاری که به ما محوّل است، با صداقت،

صمیمیت، برای صلاح ملت و برای صلاح اسلام کار می‌کنیم؟» (صحیفه امام، ج ۹: ۴۴۱)، و با فرمایشات خود مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی را به خدمت صادقانه دعوت می‌نمود: «و عمده چیزی که هست این است که صادقانه خدمت کنید، خدمت بکنید، گمان نکنید که شما یک کاری که برای آن‌ها انجام می‌دهید یک منتی بر آن‌ها دارید. منت آن‌ها را بکشید، خدمت بکنید، احترام بکنید به آن‌ها» (همان: ج ۱۳: ۵۱۷) و نیز می‌فرمود: «کارهای تان را بر اساس صدق و صداقت و صفا انجام دهید و همیشه مصالح ایران را در نظر بگیرید» (همان، ج ۱۹: ۵۶).

۹- امانت‌داری

امانت‌داری از ویژگی‌هایی است که تمام مسئولان نظام اسلامی باید از آن برخوردار باشند؛ زیرا حکومت به منزله‌ی امانتی است الهی که در اختیار یک مسئول قرار گرفته است و او باید در حفظ و نگهداری آن بکوشد. هر یک از افراد جامعه مشغول به هر کار و فعالیتی که هستند، باید کار و شغل خود را یک امانتی بدانند که به آن‌ها سپرده شده و موظف به حفظ و مراقبت از آن و تلاش در جهت پیشبرد صحیح آن باشند. داشتن چنین تلقی و تصویری نسبت به کار موجب تقویت و افزایش احساس مسئولیت فرد در قبال کار شده و در نتیجه کار را با دقت و کیفیت بیشتری به انجام می‌رساند. علاوه بر این اگر فرد بداند کار و شغل او امانتی در دست اوست که باید به خاطر آن در مقابل دیگران پاسخ‌گو باشد، این تصور موجب کاهش سوءاستفاده‌های شخصی و منفعت-طلبی‌های اشخاص از موقعیت‌ها و امکانات شغلی‌شان می‌گردد و در مقابل تضعیف این روحیه و تلقی، راه خیانت و تباهی را در جامعه می‌گشاید. بنابراین، کسانی که در نظام جمهوری اسلامی از جایگاه شغلی ویژه‌ای برخوردارند، باید شأن جایگاه خود را حفظ کنند. نگاهشان به جایگاه شغلی، باید نگاه به یک امانت الهی باشد که برای مدتی در اختیارشان قرار گرفته است. لذا باید سعی کنند به آن طمع نورزند و آن را وسیله‌ی برآورده شدن خواسته‌های شغلی یا غرض‌ورزی قرار ندهند. حضرت امام (ره) نظام اسلامی را امانتی الهی می‌داند که پاسداری از آن لازم است. امانتی می‌داند که باید به‌طور سالم به نسل‌های آینده سپرده شود: «شما الآن امانت بزرگی از دست این ملت تحویل گرفتید و مقتضای امانت‌داری این است که آن را به‌طور شایسته حفظ کنید و به‌طور شایسته به نسل آینده و دولت‌های آینده تحویل بدهید» (صحیفه امام، ج ۱۸: ۷۸-۷۹). و در جای دیگر می‌فرماید: «و هر کس در هر جا هست و هر جا حکومت می‌کند، یکی از اموری که بسیار برای او لازم است امانت است، امین باید باشد اگر خدای ناخواسته، در یک گروهی اشخاص غیر امین و اشخاص خائن پیدا شود، یک وقت می‌فهمیم که تمام آن گروه را این‌ها به بدنامی کشیدند یا به فساد. از امور لازم امانت است در امور» (همان، ج ۱۷: ۲۳۸).

۱۰- ساده‌زیستی

ساده‌زیستی و از سبک زندگی ساده برخوردار بودن، از نکاتی است که بایستی مورد توجه مسئولان نظام قرار گیرد. سادگی، بسیاری از مشکلات را برای مردم قابل تحمل می‌کند و آنان گرفتار ناراحتی روحی و روانی نمی‌شوند (ذاکری، ۱۳۸۹: ۶۱). امام خمینی (ره) بر این باور بود که مسئولان و کسانی که در مدیریت جامعه نقش دارند، باید تلاش کنند که دارای زندگی ساده باشند، تا مردم آن‌ها را از خود بدانند (همان: ۶۳). از دیدگاه حضرت امام یک رهبر خدمتگزار در زندگی شخصی و کاری خود با کمال سادگی و بی‌پیرایگی رفتار می‌کند؛ یعنی در سطح اکثر مردم و در حد ضرورت از امکانات مادی بهره‌مند می‌شود. امام خمینی برای ساده‌زیستی مسئولان بارها از زندگی پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) مثال می‌زد و از بی‌تکلفی آن‌ها سخن به میان می‌آورد: «شما خود روسای اسلام را باید ملاحظه کنید، مثل پیغمبر اکرم (ص) رئیس اسلام است، امیرالمؤمنین (ع) که بعد از او رئیس اسلام بود. شما خود آن‌ها را ببینید که وضع‌شان چه جور بوده، دیکتاتوری بوده است؟... زندگی‌اش زندگی فقرا بود و بیت‌المال، مال مردم بود و هیچ تصرف نمی‌کرد» (صحیفه نور، ج ۴: ۳۹۵). امام خمینی با استناد به ساده‌زیستی امام علی (ع) و رفتار وی با افراد تحت امر خود، او را به‌عنوان الگوی رفتاری معرفی نموده است: «جشن برای آنی باید بگیرند که وقتی که احتمال این را می‌دهد که در آخر مملکت یک گرسنه‌ای باشد، به خودش گرسنگی می‌دهد کسی که کنار مسجد، دارالاماره‌اش و دکه‌القضاء او، همین مسجد کوفه، یک گوشه‌ای از مسجد کوفه، دکه‌القضاء او در آن هست و روی زمین می‌نشیند... وقتی هم پیراهن گیرش می‌آید، پیراهن نو را به قبر می‌دهد پیراهن کهنه را خودش برمی‌دارد و آستینش هم که بلند است پاره می‌کند همان‌طور می‌پوشد و می‌رود خطبه می‌خواند یک مملکتی هم دارد که ده مقابل مملکت ایران است» (همان، ج ۱: ۱۶۹).

حضرت امام خمینی (ره) خود نیز در ساده‌زیستی، رهروی شایسته برای اجدادش بود. دعایی در این باره می‌گوید: امام در زندگی همواره ساده زندگی کرد، ساده خورد، از غذای چرب و نرم همواره پرهیز کرد و از خوراکی‌های مقوی دوری جست... در رفت و آمدها پیاده حرکت می‌کرد و علی‌رغم اصرار و فشار همه‌جانبه‌ی دوستان و ارادتمندان در نجف، از گرفتن اتومبیل و رفت و آمد با ماشین خودداری می‌ورزید؛ با آن که بسیاری فداییان راه ایشان آماده بودند که با دل و جان ماشینی از غیر وجوهات شرعی به ایشان هدیه نمایند (شعبانف، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۰۵). سخنان و تأکیدات امام خمینی (ره) در ضرورت ساده‌زیستی مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی نیز، به خوبی یکی از صفات لازمه‌ی رهبران خدمتگزار را به تصویر می‌کشد که در ادامه به برخی از

این سخنان اشاره می‌شود: «باید تمام ادارات از نخست‌وزیری تا کوچک‌ترین اداره از تجمل‌پرستی و اسراف و کاغذبازی بپرهیزند و کار مردم را سریعاً انجام دهند» (همان، ج ۶: ۲۶۶). «و ما بحمدالله امروز همه‌ی دست‌اندرکارهای مان کاخ نشین نیستند. دولت ما یک دولت کاخ‌نشین نیست. آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید فاتحه‌ی دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس‌جمهور ما- خدای نخواسته- از آن خوی کاخ‌نشینی بیرون برود و به کاخ- نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او در تماس دارند، پیدا می‌شود. آن روزی که مجلسی یان خوی کاخ‌نشینی پیدا کنند- خدای نخواسته- و از این خوی ارزنده‌ی کاخ‌نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم» (همان، ج ۱۷: ۳۷۶). «خود را به ساده‌زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید. مردان بزرگ که خدمات‌های بزرگ برای ملت‌های خود کرده‌اند اکثر ساده‌زیست و بی-علاقه به دنیا بوده‌اند. آن‌ها که اسیر هواهای پست نفسانی و حیوانی بوده و هستند، برای حفظ یا رسیدن به آن تن به هر ذلت و خواری می‌دهند» (همان، ج ۱۸: ۴۷۱).

۱۱- تواضع و فروتنی

تواضع و فروتنی از صفات مؤمنان و اولیاء الهی است و در مقابل آن کبر قرار دارد که از خوی‌های ناپسند است (ذاکری، ۱۳۸۹: ۵۷). در اسلام، رابطه‌ی زمام‌دار و مردم، رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه-پذیر نیست، رابطه‌ی حاکم و محکوم نیست، بلکه این رابطه بر اساس قرآن، رابطه‌ای دو طرفه است که هر کدام بر دیگری بر پایه‌ی محبت و دوستی، حقوقی دارند. بنابراین، زمام‌دار حق ندارد خود را از دیگران برتر ببیند و از مقام خویش سوء استفاده کند و کوچک‌ترین حقی را از مردم ضایع کند (روزبه، ۱۳۸۹: ۴۳). تواضع برای تمام افراد شایسته است و برای کارگزاران و مسئولان حکومت لازم‌تر می‌باشد زیرا اگر تواضع را از دست بدهند گرفتار شیطان نفس و کبر می‌شوند و به مرور غرور و قدرت، افراد را به انحراف می‌کشاند. امام خمینی (ره) این خطر را این‌گونه به مسئولان هشدار می‌دهد: «وقتی قدرت دست‌تان آمد بیشتر مواظب باشید که متواضع بشوید. وقتی رئیس یک گروهی شدید بیشتر مواظب باشید که متواضع باشید، برای این که اگر سستی کنید از شیطان زمین می‌خورید» (صحیفه نور، ج ۱۸: ۲۰۹).

به عقیده‌ی امام خمینی (ره)، یک رهبر خدمتگزار و مردمی با فروتنی و تواضع با مردم و پیروانش رفتار می‌کند و تکبر و غرور در او مشاهده نمی‌شود؛ خود را بالاتر و برتر از دیگران نمی‌داند و با خشوع و خضوع در گفتار و کردار، مردم را شیفته‌ی خود نموده و دل‌های آن‌ها را فتح می‌نماید. این موضوع تا آن‌جا اهمیت دارد که حضرت امام (ره) می‌فرماید: «من با کمال تواضع دست خود را

به سوی ملت نجیب ایران دراز می‌کنم» (همان، ج ۳: ۳۱۷). و در جای دیگر بیان کرده است: «ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملت‌مان بکنیم. و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم... خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اکرم (ص) به ما حق نداده است که ما به ملت‌مان یک چیزی را تحمیل بکنیم. بلکه ممکن است گاهی وقت‌ها ما یک تقاضایی از آن‌ها بکنیم؛ تقاضای متواضعانه، تقاضایی که خادم یک ملت از ملت می‌کند» (همان، ج ۱۱: ۳۴). و نیز می‌فرماید: «خمینی(ره) دست یکایک شما را می‌بوسد و به یکایک شما احترام می‌گذارد و یکایک شما را رهبر خودش می‌داند که بارها گفته‌ام من با شما یکی هستم و رهبری در کار نیست» (همان، ج ۱۴: ۴۷۴).

۱۲- رفق و مدارا

سیاست، حکومت و رهبری فارغ از رفق و مدارا، راه به جایی نمی‌برد و گرفتار آسیب‌های جدی و اساسی می‌گردد. هیچ چیز هم‌چون رفق و مدارا روابط اجتماعی را در جهت مطلوب تسهیل نمی‌کند. انسان فطرتش متمایل به رفق و مدارا، و منزجر از درشتی و خشونت است. از این‌رو، هر کاری بر این مبنای فطری انجام شود، پذیرش آن بهتر و راه تحقق آن هموارتر است، و اساساً با به‌کار گرفتن رفق و مدارا بهتر می‌توان بر مشکلات اجتماعی فائق آمد و به مقاصد اصلاحی دست یافت. حضرت امام(ره) بر اساس بینش اسلامی خود، معتقد به تقدّم مهر بر قهر بودند. بر پایه‌ی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی برآمده از متون دینی و تعالیم اسلام، که جهان را جلوه‌ای از مهر خداوند برمی‌شمرد و به انسان‌ها نیز در این مجموعه به‌عنوان مخلوقات الهی نگاه می‌کند که از او و به سوی او درحرکتند، انسان تربیت یافته‌ی اسلامی بر همه‌ی بندگان و مخلوقات خداوند مهر می‌ورزد، حتی قهر او هم بر خاسته از مهر اوست و به دلیل شدت مهری که به بندگان خداوند دارد تا آن‌جا که او اجازه داده است و تنها در موارد خاص به قهر متوسّل می‌شود. با توجه به این موضع، نسبت به هستی و نسبت به انسان، مدارای مورد نظر اسلام و حضرت امام(ره) به معنای «تحمل عقاید افراد، سعه‌ی صدر علمی و رعایت حقوق انسان‌ها، که برخاسته از یک فضیلت اخلاقی و انسانی و نگاه مهربانانه به انسان و ملاحظه‌ی او در ارتباط با مبدأ و معاد، در چارچوب شریعت می‌باشد» (روزبه، ۱۳۸۹: ۹۷). امام مدارا را از مشخصات مکتب‌های الهی و غیرمادی بر می‌شمارند(همان، ج ۹: ۲۸۹). و از مدارا و سفارش امیرالمؤمنین (ع) نسبت به قاتل خود ابن ملجم سخن می‌گوید (همان، ج ۱۱: ۳۹۱).

بنابراین در اسلام، رابطه‌ی زمام‌دار و مردم، رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر نیست، رابطه‌ی حاکم و محکوم نیست، بلکه این رابطه بر اساس قرآن، رابطه‌ای دو طرفه است که هر کدام بر دیگری

بر پایه‌ی محبت و دوستی، حقوقی دارند. بنابراین، زمامدار حق ندارد خود را از دیگران برتر ببیند و از مقام خویش سوء استفاده کند و کوچک‌ترین حقی را از مردم ضایع ندارد. در همین ارتباط، امام خمینی(ره) به رهبران خدمتگزار و داعیه‌داران صلاح و اصلاح نظام جمهوری اسلامی توصیه می‌کند که از آیات قرآن و شیوه‌ی انبیا درس آموزند و برنامه‌های خود را با رأفت و عطف در هم آمیزند: «... با قلب پر از محبت و دل با عاطفه با بندگان خداوند ملاقات کن و خیر آن‌ها را از صمیم قلب طالب شو. و چون قلب خود را رحمانی و رحیمی یافتی به امر و نهی و ارشاد قیام کن تا دل‌های سخت را برق عاطفه قلب نرم کند و آهن قلوب به موعظت آمیخته با آتش محبت لاین گردد» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۳۹). امام در عین توصیه به مدارا به این نکته نیز توجه می‌دهد که قلم‌های مسموم از این مدارا سوء استفاده نکنند و دست به توطئه نزنند (صحیفه امام، ج ۹: ۳۷۱).

نتیجه‌گیری

امام خمینی(ره) مصلحی اجتماعی، سیاست‌مدار، متفکر و رهبر هوشمند اسلامی در عصر حاضر است که به یقین، نقش کلیدی ایشان در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران انکارناپذیر است، انقلابی که باید آن را نقطه‌ی عطفی در تاریخ بیداری این مرز و بوم دانست. کنکاشی بر آموزه‌های اخلاقی و سیره‌ی عملی حضرت امام(ره) در رابطه با انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که هدف ایشان از رهبری انقلاب اسلامی، ایجاد دگرگونی در همه‌ی عرصه‌های حیات اجتماعی از جمله اقتصاد، فرهنگ، سیاست و ساختار قدرت بوده است. کسانی که به پیشرفت و تعالی ایران اسلامی علاقه مند هستند و از عقب ماندگی، ضعف و وابستگی ایران رنج می‌برند، نمی‌توانند نسبت به اندیشه‌های سیاسی امام خمینی(ره) و محتوای فکری انقلاب اسلامی بی‌اعتنا بمانند. امام بزرگوار به دلیل نگرش جامع، عمیق و نظام‌واره‌ای که به مکتب حیات‌بخش اسلام داشت، به خوبی توانست با به‌کارگیری تعالیم، احکام و ارزش‌های دینی در عرصه‌ی مدیریت و رهبری و استفاده‌ی بجا و به‌هنگام از آن‌ها، نمونه‌ی موفق و اثربخشی از توانمندی دینی در اداره‌ی ابعاد حیات بشری را ارائه دهد. در حقیقت حضرت امام(ره) اسوه‌ی تربیت یافته‌ی اسلام با عمق آموزه‌های قرآن کریم بود که برکات و شعاع ثمرات وجودی ایشان از اعماق جان، انسان‌های تشنه‌ی حقیقت تا کرانه‌های شرق و غرب زمین را فرا گرفت.

بنابراین اخلاق سیاسی و سیره‌ی عملی امام خمینی(ره)، ترجمان قرآن کریم و سنت اهل بیت(ع) است که اقتدا به نور هدایت ایشان می‌تواند منجی انسان از مهلکه‌های ظاهر فریب‌همجهمه‌های اعتقادی، سیاسی و فرهنگی در عصر سکولار و حاکمیت حاکمان لائیک باشد.

حاکمیت امام(ره) متفاوت از حاکمان خودکامه و سودجو بود که به قدرت‌طلبی چشم دوخته بودند. قدرت و حکومت چیزی است که افراد غیر مهذب، حریصانه به دنبال آنند و کمال مطلوب خود را در آن می‌جویند. غرض و انگیزه‌ای که انسان از کسب قدرت و مقام دارد، صف «وارستگان» را از «وابستگان» جدا نموده و «شیفتگان خدمت» را از «تشنگان قدرت» امتیاز می‌بخشد. از دیدگاه حضرت امام(ره)، قدرت ملاک اخلاقی به حساب نمی‌آید بلکه هم‌چون ابزاری در طریق کرامت انسانی خود فرد و هم‌نوعانش استفاده می‌شود تا بتوان به کمک آن از حقوق اجتماعی که عدالت ترسیم نموده است، دفاع کرد. امام قدرت‌طلبی را در هر جا که پیدا شود باعث شکست می‌داند، به ویژه چنان‌که در ارکان اساسی دولت و نظام، قدرت‌طلبی پیدا شود، زمینه برای شکست فراهم می‌گردد. از این‌رو، قدرت و حکومت در اسلام از دید حضرت امام(ره)، عرصه‌ی خدمت‌رسانی و نه صحنه‌ی سلطه‌طلبی، یگانه تازی و منفعت‌گرایی است. ایشان ادعای مادی مسلکان را مبنی بر خدمت به ملت، غیرممکن و طرح آن را از سوی رهبران مارکسیسم صرفاً فریبی برای جذب توده‌های نا آگاه می‌دانست و بر این باور بود که محال است انسان به جهان غیب ایمان نداشته باشد و روز جزا را انکار کند و مرگ را پایان زندگی خود تلقی کند و در عین حال از منافع خود بگذرد و به خلق خدا خدمت کند و اهل گذشت و ایثار باشد. به عبارت دیگر، کسی به مبادی غیبی اعتقاد نداشته باشد و در فکر مردم و خدمت‌رسانی به آن‌ها باشد.

با همه‌ی این اوصاف حضرت امام(ره)، حکومت بر مردم را بیش از خدمت نمی‌شمارد و در حقیقت، آنچه بیش از همه عناصر و ویژگی‌های اخلاق و عرفان امام را صبغه‌ی قرآنی بخشیده است، عنصر خدمت و خیراندیشی و ایثار برای بندگان خداست. عنصری که نایاب‌ترین آن در وجود انبیای الهی یافت می‌شد و آنان را از حدّ یک معلم تا اوج یک پدر دلسوز و شیفته‌ی انسان‌ها ارتقا می‌بخشید. بر مبنای ماهیت خدمتگزاری، رهبر اسلامی همه‌ی توان و تلاش خود را در جهت خواسته‌ها و منافع پیروان و اعضای جامعه‌ی خود به کار می‌گیرد. در مدیریت ارزشی و مردمی حضرت امام(ره)، دو عنصر مهم نمایان بود، یکی مردم و دیگری انگیزه‌ی الهی. تلازم این دو عنصر، رهبری خدمتگزاری را ارائه داده که کارایی و اثربخشی آن در روش حکومت و مدیریت بر قلوب به ثمر می‌نشیند. امام بر این باور بود که سلامت رهبری یک نظام با تفاهم ملت و دولت تحقق می‌یابد و علت شکست دولت‌هایی که شیوه‌ی رهبری‌شان بر سبک آمرانه مبتنی است، عدم تفاهم با ملت است و اصولاً یکی از شاخص‌های اصلی در ثبات سیاسی، رضایت مردم از حکومت و رهبری تلقی شده است. ایشان جدایی حکومت و رهبری از ملت را موجب از بین رفتن رضایت عامه مردم دانسته و برخورد آمرانه را دلیل جدایی آن‌ها از یکدیگر ذکر می‌کند. روشن

است، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، مفهوم جمهوریت را صرف یک قالب سیاسی تلقی نموده و به لوازم آن در چارچوب اسلامیت، پایبند بود. وقتی حضرت امام(ره) تعیین تکلیف یک جامعه و رهبری آن را بر دوش ملت می‌گذارد و از آنان می‌خواهد که آینده و سرنوشت سیاسی-اجتماعی-شان را رقم بزنند، در حقیقت خود را خدمتگزار اجتماعی تلقی می‌کند.

از منظر امام خمینی(ره)، خدمت به مردم و کشور، باید همراه با تعهد دینی باشد. خدمت‌گزاری-هایی که بر اساس ایمان و تعهد اسلامی انجام نپذیرد، پایدار و تأثیرگذار نخواهد بود؛ چرا که خدمت‌گزاران بیگانه با مکتب و التزام‌های اعتقادی و عملی نمی‌توانند به مصالح دنیا و آخرت مردم توجه داشته و بستر رشد و تعالی نسل نو را فراهم سازند. آنچه امروز در جهان به چشم می‌خورد، ممکن است خدمت‌رسانی‌های هدف‌دار و تعهد‌آمیز باشد اما حکومت‌های غیر مذهبی اقتضای-شان این است که رهبران به تعهداتی پایبند باشند که فرهنگ سیاسی-اقتصادی الحادگر می-طلبد. حضرت امام(ره) از تعهد خدمت‌گزاران نسبت به خداوند سخن می‌گوید و خدمتی مکتبی و ایمانی را خواهان است. اعلام موضع شفاف امام در خدمت کردن به مردم همراه با تعهد دینی آشکار می‌سازد که نظام جمهوری اسلامی، فرهنگی ممتاز و متمایز از دیگر فرهنگ‌های خدمت‌رسانی دارد. از این رو، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، همواره خدمتگزاران متعهد به ارزش‌های دینی و انقلابی را می‌ستودند و از آنان به‌عنوان اسوه‌های ایمان و استقامت در خدمت به مردم یاد می-کردند که در زمان کوتاهی، توانسته‌اند بیشترین بهره‌ها را در مدیریت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود به جامعه انتقال دهند. در پایان با عنایت به آنچه در خصوص رهبران خدمتگزار و مشخصه-های آنان به بحث گذارده شد، الگوی شاخصه‌های رهبران خدمتگزار از دیدگاه امام خمینی(ره) را می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد.



نمودار ۱: الگوی شاخصه‌های رهبران خدمتگزار از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره)

منابع

۱. امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۲). آداب الصلاه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲. امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۵). صحیفه امام، ۲۲ جلد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ چهارم.
۳. افجه، سید علی اکبر. (۱۳۹۰). رهبری سازمانی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی، چاپ اول.
۴. جنینگز، کن و استالورت، جان. (۱۳۸۶). مدیر خدمتگزار و شایسته. ترجمه جعفرشکر خواه، مشهد: نشر مرنندیز.
۵. ذاکری، علی اکبر. (۱۳۸۹). اخلاق مسئولان نظام اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ یازدهم.
۶. رضوان طلب، محمد رضا و برزونی، محمد علی. (۱۳۸۴). مدیریت خدمات مدار، فصلنامه مصباح، سال ۱۴، شماره ۶۰، صص ۱۲۷-۱۴۶.
۷. روزبه، محمد حسن. (۱۳۸۹). مدارا، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ ششم.
۸. شهرباف، رضا. (۱۳۷۸). سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی (ره)، تهران: پیام آزادی.
۹. شفیعی، عباس. (۱۳۹۱). الگوی رهبری امام خمینی (ره)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۱۰. شیخ‌زاده، محمد. (۱۳۹۱). الگوی رهبری خدمتگزار مبتنی بر دیدگاه امام خمینی (ره)، دو فصلنامه علمی- تخصصی اسلام و مدیریت، سال ۱، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۷-۳۶.
۱۱. شیخ‌زاده، محمد. (۱۳۹۲). رهبری خدمتگزار پارادایم نوین رهبری از دیدگاه امام خمینی (ره)، جلد دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. فتحلی، محمود. (۱۳۹۰). درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۳. محمدی، حمید. (۱۳۸۰). مفردات قرآن، قم: مؤسسه فرهنگی- تحقیقاتی دارالذکر، چاپ اول.
۱۴. مطهری، مرتضی. (بی‌تا). امامت و رهبری در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.

۱۴. نوروزی فرانی، محمد تقی. (۱۳۸۶). تبیین الگوی اثربخشی سازمان‌های دولتی ایران بر اساس نقش رهبری خدمتگزار، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۵. ورعی، سید جواد. (۱۳۸۹). حبّ جاه و مقام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۶. هدایتی، ابوالفضل. (۱۳۸۷). اصول اخلاق اجتماعی از منظر امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.
17. Bennis, W.G & Nanus, B. (1985). *Leaders: The Strategies for Taking Change*, New York, Harper & Row.
18. Matteson, J.A & Irving, G.A. (2006). *Exploring Servant Versus Self Sacrificial Leadership : A research proposal for Assessing the Commonalities and Distinction of two Follower Oriented Leadership Theories*. Proceedings of The American Society of business and Behavioral Sciences.
19. Parolini, J.L. (2007). *Investigation The Distinctions Between Transformational and Servant Leadership: Doctoral Dissertation Thesis*. Regent University. Virginia Beach, VA.
20. Russell, A & Stone, G. (2002). *Review of Servant Leadership Attributes: Developing a Practical Model*, Leadership and Organization Development Journal, Vol. 23, No. 3.